
اولین شیعه
علی
علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

اولین شیعه علی (علیه السلام)

نویسنده:

جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اولین شیعه علی (علیه السلام)

مشخصات کتاب

نویسنده : جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم

ناشر : مجله حوزه

خدیجه (س) و ازدواج با پیامبر اکرم

«کانت خدیجة امرأة عاقلة شریفةً مع ما اراد الله بها من الکرامة و الخیر و هی یومئذ افضلهم نسبا و اعظمهم شرفا و اکثرهم مالاً(۱) ؛ خدیجه بانویی عاقل و شریف بود. به اضافه آنچه خداوند از بزرگواری و خیر نسبت به او اراده کرده بود و او آن روز برترین در نسب و بزرگ‌ترین در شرف و ثروتمندترین زنان در زمان خود بود.»

حضرت خدیجه علیهاالسلام دختر خویلد ـ که ۶۸ سال پیش از هجرت در قریش متولد شده بود – (۲) بانویی پرهیزکار و پاکدامن بود. چنانکه به طاهره(۳) مشهور شد، او به دلیل استعداد قوی خود، یکی از ثروتمندترین افراد قریش بود. با این همه، همواره بخشی از اوقات خود را در محضر علمای بزرگ و کسب دانش از آنان می‌گذراند. در همین نشست‌های علمی بود که متوجّه شد، به زودی پیامبری ظهور خواهد کرد.(۴) با روی دادن اتفاقی چند، سرانجام پیامبر خاتم را شناخت و به تقاضای خود با وی ازدواج کرد. این رویداد بزرگ در حدود ۲۸ سال قبل از هجرت روی داد(۵) و از آن پس خدیجه عمر خود را به همدلی، همسری، همرازی و همراهی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گذراند.

علی و محمد نور واحد

بنابر نظر مشهور، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در سیزدهم رجب سی سال پس از عام الفیل در میان خانه کعبه متولد شد و در آن وقت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیست و هشت ساله بود.(۶) در روایات معتبر می‌خوانیم: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:«ان الله تبارک و تعالی خلق علیّا من نوری و خلقنی من نوره و کِلانا من نورٍ واحد؛ خداوند تبارک و تعالی علی را از نور من و مرا از نور خودش خلق کرد و هر دوی ما از یک نور هستیم.»(۷)

این روایت به خوبی میزان همبستگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام را نشان می‌دهد، لذا طبیعی است که بعد از تولد علی علیه‌السلام، پیامبر نهایت کوشش خود را جهت ارتباط بیشتر با علی علیه‌السلام صرف کنند.

بر اساس منابع تاریخی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تا سه سالگی علی، در خانه ابوطالب بود.(۸) پس از آن به منزل خدیجه علیهاالسلام رفت. در طول این مدت پیامبر همواره در تربیت علی (علیه‌السلام) می‌کوشید و با او پیوند داشت، لذا هنگامی که مادر حضرت علی (علیه‌السلام) نوزادش را خدمت رسول خدا آورد، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از او خواست، گهواره علی را کنار رختخوابش قرار دهد، حضرت گهواره علی علیه‌السلام را تکان می‌داد؛ به او غذا می‌داد؛ علی (علیه‌السلام) را بغل می‌گرفت و می‌فرمود: «این کودک برادر و در آینده ولی، یاور، وصی و همسر دختر من خواهد بود.»(۹)

حضرت علی علیه‌السلام بعدها این توجه خاص پیامبر اکرم را این گونه توضیح داده است: «شما از خویشاوندی نزدیک من با رسول خدا و مقام مخصوصی که نزد او داشتم، مطلع هستید. مرا در کنار خود قرار می‌داد، هنگامی که نوزاد بودم، مرا به سینه خود می‌گرفت و در کنار بستر خود مرا حمایت می‌کرد و بوی خوش خود را به مشامم می‌رساند. او غذا را در دهان من می‌گذاشت.»

(۱۰)

علی در خانه خدیجه

طبیعی بود که این عشق و علاقه حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) به علی که از جایگاهی الهی و منبعث از پیوستگی حقیقی آن حضرت به امیرمؤمنان بود، او را وادار می‌کرد به نحوی علی علیه‌السلام را بیشتر با خود همراه سازد و او را با تربیت الهی خود تربیت کند. لذا می‌بینیم خود حضرت پیشنهادی به ابوطالب می‌دهد و علی را به خانه‌اش می‌آورد و حضرت خدیجه با علی علیه‌السلام آشنا می‌شود.

دوران قبل از بعثت

علی در خانه خدیجه رشد و نمو می‌یابد و خدیجه مانند مادری مهربان به وی می‌نگرد. بیشترین لحظات عمر علی(علیه‌السلام) در این دوره نیز با پیامبر اکرم سپری می‌شود. هر چند در خانه خدیجه است ولی پیامبر چون قصد دارد بر او در تمام مراحل نظارت کند، توجه ویژه‌ای به او می‌کند، خصوصا در دوره‌های طولانی اعتکاف در غار حرا و ... لذا امام علی (علیه‌السلام) خود می‌فرمود: «و لقد کنت اتّبعه اتباع الفصیل اثر امه یرفع لی کل یوم من اخلاقه علما و یامرنی بالاقتداء به(۱۱)؛ من مانند بچه ناقه‌ای که دنبال مادر می‌رود، در پی پیامبر می‌رفتم، هر روز از اخلاق خود نکته‌ای به من می‌آموخت و دستور می‌داد از آن پیروی کنم.»

آری! به تعبیر ابن ابی الحدید: «علی آنچنان با پیامبر همراه بود که هر وقت پیامبر اکرم از شهر خارج می‌شد و به غار حرا می‌رفت، او را نیز با خود می‌برد.»(۱۲)

البته حضرت علی علیه‌السلام در این دوره برای تهیه غذا به منزل بر می‌گشت و از خدیجه علیهاالسلام غذای لازم را برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گرفت و به حضرت می‌رساند. همچنین اگر لازم بود، خبری به خدیجه (علیهاالسلام) یا پیامبر رسانده شود، علی(علیه‌السلام) این کار را انجام می‌داد.

دوره بعثت

رسالت غیر علنی

آنگونه که گفتیم، ارتباط پیامبر با علی (علیهماالسلام) صرفا یک ارتباط عاطفی یا خویشاوندی نبود، بلکه برآمده از پیوندی قدسی بود. از این روی، با این که علی (علیه‌السلام) هنوز کودکی چندین ساله است، زودتر از خدیجه (علیهاالسلام) ایمان می‌آورد و حضرت خدیجه بعد از وی به عنوان دومین نفر و اولین زن، اسلام را می‌پذیرد. بر این اساس پیامبر اکرم فرمود: «اوّلکم واردا علی الحوض، اوّلکم اسلاما، علی بن ابی طالب...؛ نخستین کسی که بر حوض(کوثر) بر من وارد می‌شود، اولین کسی است که اسلام آورد. (یعنی) علی بن ابی طالب است.»(۱۳)

در روایتی دیگر امام علی علیه‌السلام نیز بر این واقعیت تأکید می‌کند: «لقد صلیت مع رسول الله قبل الناس بسبع سنین و انا اول من صلی معه؛(۱۴) من هفت سال قبل از مردم با رسول خدا نماز گزاردم و من اولین کسی هستم که با او نماز گزارد.»

بعد از حضرت علی علیه‌السلام، خدیجه علیهاالسلام نیز ایمان می‌آورد و به این ترتیب خانواده سه نفری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله همه مؤمن به دین او می‌شوند.

اولین مسلمان

متأسفانه بـا وجود روایـات متعـدد و قراین واضـح، عـده‌ای کوشـیده‌اند نه به خاطر خـدیجه علیهاالسـلام که به خاطر دشـمنی با علی علیه‌السـلام سـابقه وی در اسـلام را مخـدوش کننـد. لـذا ایمان خـدیجه را بر او مقـدم می‌دارنـد. از جمله، درباره ایمان آوردن علی علیه‌السـلام می گویند: وقتی علی علیه‌السـلام بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شد که خدیجه با پیامبر مشغول نماز بود. علی پرسید این عمل چیست؟...(۱۵)

اما با توجه به این که شیعه و سنی گفتار امیرالمؤمنین را قبول دارند، شیعه به خاطر عصمت امام و اهل سنت به خاطر این که صحابه را عادل می‌دانند و علی علیه‌السـلام را از صحابه می‌دانند، می‌توان این شبهه را با توجه به سخن خود امیر مؤمنان علیه‌السلام رد کرد، آن جا که حضـرت علی (علیه السـلام) می‌فرماید: «کنتُ اسـمعُ الصوت و ابصـر الضوء سـنین سبعا و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله حینئذ صامت ما اذن له فی الانـذار والتبلیغ(۱۶)؛ من هفت سال صـدا را می‌شـنیدم و نور را می‌دیدم و پیامبر در آن روز ساکت بود و اجازه انـذار و تبلیغ بـه او داده نشـده بـود.» و در روایـتی دیگر آمـده که حضـرت تصـریح کرد هفت سـال قبـل از دیگران بـا پیـامبر نمـاز می‌خواند.

در روایتی دیگر امام علی (علیه السـلام) از ایمان خـدیجه علیهاالسـلام چنین یاد می کند: «لم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسـلام غیر رسول الله و خدیجه و انا ثالثهم اری نور الوحی و الرسالهٔ و اشم ریح النبوهٔ؛(۱۷) خانه‌ای واحد در آن روز در اسلام جمع نشد غیر از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و خدیجه علیهاالسلام و من سومین آن دو بودم. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم.» در هر صورت حضـرت علی و حضـرت خدیجه با پیامبر اکرم (علیهم السـلام) اولین جامعه اسـلامی را تشکیل دادند و در دوره دعوت غیر علنی به اجرای مراسم عبادی و نماز می‌پرداختند.

در دوره‌ای که هنوز غیر این سه نفر کسـی مسلمان نشده بود، خدیجه و علی به یاری محمد می‌شتابند و نه تنها در منزل یا کوه حراء که در کنـار مسـجدالحرام و کعبه و در منظر کفـار نمـاز می‌خواننـد و حضور اولین جـامعه کوچک اسـلامی را به مسافران و مقیمان اطلاع می‌دهند. این ارتباط‌ها همچنان ادامه داشت تا آن که نوبت به خطیرترین مرحله رسالت رسید.

اعلام عمومی رسالت

این مرحله، سـخت‌ترین و گـاه دردناک‌ترین مراحل برای پیامبر اکرم و خانواده اوست. در این دوره، خصوصا سال‌های آغازین آن، خدیجه و علی به شدت تحت فشار قرار داشتند و گاهِ خطر، کشته شدن پیامبر را نیز مشاهده می کردند. یکی از حوادث این دوره که در راسـتای حمایت خـدیجه و علی علیه‌السـلام از پیامبر اکرم قابل مطالعه است، موضوعی است که مسـلم و بخاری در صـحیح خود نقل می کنند.

«در ایام حج روزی پیامبر اکرم به بالای کوه صـفا رفت و با صدای بلند به مردم خطاب کرد: «ای مردم! من رسول پروردگار هستم.» آنگاه به کوه مروه رفت و باز سه بار مطلب خود را با صدای بلند به گوش مردم رساند. اما جاهلان عرب هر یک سـنگی برداشته و در پی حضرت روان شدند. ابوجهل نیز سنگی برداشت و روان شد. او سنگ را چنان پرتاب کرد که به پیشانی حضرت خورد. خون بر صورت رسول خدا جاری شد. پیامبر به کوه ابوقبیس (متکی) رفت و مشـرکان نیز در پی او روانه شدند. در این بین شخصی خود را به نزد علی علیه‌السـلام رساند و گفت: «پیامبر را کشـتند.» حضرت گریست و با شتاب خود را به خدیجه رساند و او را از این خبر وحشـتناک مطلع کرد. خـدیجه نیز به شـدت غمگین و منقلب شد چنانکه نتوانست بر خود مسلط شود و اشک بر گونه‌هایش جاری گشت.»(۱۸)

به این ترتیب هر دو برای رسانـدن خود به پیامبر همه جا را جست‌وجو کردنـد، در این هنگام جبرئیل بر پیامبر صـلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شد و فرمود: «از گریه خدیجه، ملائکه به گریه در آمدند. او را بخواه و سلام به او برسان و بگو، خدا به تو سلام می‌رساند و او را به

خانه‌ای در بهشت که از نور زینت شده است، بشارت ده.»

علی و خدیجه که همچنان در پی پیامبر بودند، سرانجام آن حضرت را با صورتی خونین یافتند و به خانه آوردند. اما قریش که مطلع شدند، پیامبر با کمک علی و خدیجه به خانه منتقل شده، در پی آنها روانه شدند، خود را به خانه خدیجه رساندند و شروع به سنگ پرانی به خانه کردند. خدیجه علیهاالسلام ناچار از خانه بیرون آمد و فرمود: «آیا شرم نمی‌کنید که خانه زنی را که نجیب‌ترین قوم شماست، سنگباران می‌کنید. آیا از خدا نمی‌ترسید؟»

در پی این سخنان بود که مردم پراکنده شدند. رسول خدا هم در این هنگام پیام جبرئیل را به وی رساند. و خدیجه علیهاالسلام در جواب گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام و علیک یا رسول الله السلام و رحمهٔ الله و برکاته و علی من سمع السلام الا الشیطان.»(۱۹)

تحریم همه جانبه

سران قریش در نخستین شب از سال هفتم بعثت تصمیم گرفتند مسلمانان را تحت فشار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار دهند. لذا پیمان‌نامه‌ای نوشتند و هر نوع معامله‌ای را با مسلمانان تحریم کردند. ابوطالب با درک میزان خطر، مسلمانان را از شهر خارج و در دره‌ای جمع آوری کرد. ـ دره‌ای که سه سال پذیرای مسلمانان شد ـ در این رویداد بزرگ نیز هم حضرت خدیجه و هم حضرت علی (علیهماالسلام) حاضر بودند و اصولاً ـ فشارهای ناشی از تحمل گرسنگی و سختی این دوره را می‌توان در رحلت خدیجه علیهاالسلام مؤثر دانست. البته حضرت خدیجه از طرق مختلف به تأمین نیازهای مسلمانان همت می‌گمارد که از جمله ابوالعاص بن ربیع داماد حضرت خدیجه علیهاالسلام شترها را می‌آورد؛ بار گندم و خرما بر آنها می‌نهاد و به مسلمانان می‌رساند.(۲۰)

ابن هشام از جمله کسانی است که به حضور خدیجه علیهاالسلام در شعب اشاره کرده است. «ابوجهل، حکیم بن حزام بن خویلد بن اسد را با غلامش که مواد غذایی حمل می‌کرد و قصد داشت نزد عمه‌اش، خدیجه علیهاالسلام، برود، دید؛ خدیجه نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و با او در شعب بود. ابوجهل با او گلاویز شد و گفت: آیا غذا می‌بری؟»(۲۱)

بیعت با علی علیه‌السلام

شگفت آورترین صحنه زندگی حضرت خدیجه (علیهاالسلام) مربوط به قبول ولایت امیرمؤمنان علیه‌السلام و امامت اولاد امیرمؤمنان علیه‌السلام است با این که در آن وقت به قبول ولایت مکلف نبود، چون این تکلیف بعد از وفات پیامبر، وجوب می‌یافت. ولی او در زمان ولادت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام از امامت ائمه اطهار ـ که از نسل فرزندش فاطمه هستند ـ شنیده بود. لذا قدر و منزلت امیر مؤمنان علیه‌السلام را می‌دانست.

علامه مجلسی در این باره می‌نویسد: «یک روز رسول خدا همسر مهربانش را خواست. او را در کنار خود نشاند و فرمود: «این جبرئیل است که می‌گوید، اسلام شروطی دارد: اوّل، اقرار به یگانگی خداوند. دوم، اقرار به رسالت رسولان. سوم، اقرار به معاد و عمل به اصول شریعت و احکام آن. چهارم، اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او و همراه با برائت از دشمنان آنها.»

در پی این فرمایش پیامبر، حضرت خدیجه به همه آنها اقرار کرد و یک به یک تصدیق فرمود. رسول اکرم در مورد امیرمؤمنان علی علیه السلام، به خصوص به خدیجه (علیهاالسلام) فرمود: «هو مولاک و مولی المؤمنین و امامهم بعدی؛ علی مولای تو و مولای مؤمنان و امام آنها پس از من است.»

رسول گرامی بعد از آن که عهد اکید از خدیجه (علیهاالسلام) گرفت، اصول و فروع، واجبات و محرمات را به وی آموخت. آنگاه، دست خود را بالای دست امیر مؤمنان (علیه‌السلام) گذاشت و خدیجه علیهاالسلام دست خود را بالای دست پیامبر گذاشت و به این

صورت بیعت کرد.

از حدیث «ما کمل من النساء الا اربعهٔ آسیه بنت مزاحم، مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد» هم ظاهر می‌شود که آن بانوی بزرگوار به تمام اصول و فروع دین اسلام ایمان آورد.(۲۲)

حضرت علی، داماد خدیجه (علیهماالسلام)

حضرت خدیجه (علیهاالسلام) ۲۴ سال زندگی پر فراز و نشیب خود با رسول خدا را پشت سر گذاشت و پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عنوان بشارت به وی وعده بهشت داد. بعد از وفات، خود وارد قبر او شد و برایش گریست.(۲۳) فاطمه (علیهاالسلام) تنها بازمانده خدیجه (علیهاالسلام) در این لحظات سخت، دور پدر می‌چرخید و بهانه مادر را می‌گرفت و این بر ناراحتی پیامبر بی اندازه می‌افزود تا آن که جبرئیل نازل شد و فرمود: «ای پیامبر! به فاطمه بگو خدا برای مادرت قصری از لؤلؤ ساخته است که میان آن نهر است و در آنجا رنجی نیست.»(۲۴)

آری خدیجه (علیهاالسلام) سرانجام سه سال قبل از هجرت در ماه رمضان(۲۵) وفات یافت، اما تقدیر چنین بود که این بار دختر و پاره تن خدیجه مأموریت همراهی علی در مسیر پیروی و یاری از رسول خدا را عهده‌دار شود. امری که بعدها موجب فخر و مباهات ائمه (علیهم‌السلام) بود و آنان به این که فرزند خدیجه نامیده شوند، افتخار می‌کردند. مانند آنچه در زیارت امام زین العابدین، از امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «السلام علیک یابن رسول الله... السلام علیک یابن علی بن ابی طالب. السلام علیک یابن الحسن و الحسین. السلام علیک یابن خدیجهٔ و فاطمهٔ.»(۲۶)

به یاد خدیجه

امیرمؤمنان علی(علیه‌السلام) بعد از وفات حضرت خدیجه (علیهاالسلام) به مناسبت از وی یاد می‌کرد و نامش را گرامی می‌داشت. از جمله، یک بار به دفاع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از حضرت خدیجه اشاره کرده و این قضیه را نقل کردند: « یک روز که پیامبر خدا در میان همسران خویش حضور داشت، یادی از همسرش خدیجه نمود و به فراق او گریست عایشه گفت: بر پیرزن سرخرویی از تیره بنی اسد می‌گریی؟ رسول خدا فرمود: [چه کسی جای خدیجه را می‌گیرد] روزی که شما مرا تکذیب کردید، مرا تصدیق کرد. روزی که کفر ورزیدید به من ایمان آورد و هنگامی که شما نازا بودید او برایم فرزند آورد.(۲۷) عایشه گفت از آن پس همواره خودم را با بیان خوبی‌های خدیجه به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نزدیک می‌کردم.»

آخرین مال

اموال حضرت خدیجه علیهاالسلام به عنوان ابزاری مناسب از همان ابتدا در خدمت اسلام و پیشرفت آن قرار گرفت. جالب این که آخرین بخش از دارایی خدیجه توسط امیرمؤمنان در سفر هجرت به مدینه صرف شد.

پیامبر اکرم سه شبانه روز در غار ثور ماند، امیر مؤمنان نیز شبانه خود را به غار رساند و آذوقه و لوازم سفر را آورد. در آنجا حضرت به علی علیه‌السلام فرمود: «امانت‌های زیادی نزد من است، به بالای ابطح (تپه‌ای در مکه) برو و صبح و شب با صدای بلند بگو: هر کس نزد محمد امانت و یا ودیعه‌ای دارد بیاید و تحویل بگیرد. یا علی! بعد از این با هیچ حادثه‌ای ناگوار مواجه نخواهی شد تا این که نزد من برسی. امانت‌های مردم را آشکارا تحویل بده. ای علی! تو را سرپرست دخترم فاطمه قرار دادم و خدا را مراقب شما.

از آخرین باقی‌مانده اموال خدیجه برای خود و فاطمه و هر کس از بنی هاشم که قصد همراهی با شما را دارد، شتر و زاد و توشه بخر و بعد از رد امانت‌ها، دیگر درنگ نکن... .»

ابوعبیده (نوه عمار یاسر) می گوید: «فرزند ابی رافع این مطالب را به نقل از پدرش گفت. من پرسیدم: مگر رسول خدا مال و ثروتی قابل توجه داشت که دو شتر برای سفر خودش خرید و به امیر مؤمنان هم سفارش کرد زاد و توشه دیگر مهاجران را تهیه کند؟
ابی رافع پاسخ داد: پدرم گفت: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هیچ مال و ثروتی برای من سودمندتر از اموال خدیجه نبود. ابی رافع افزود: پدرم گفت: از آخرین موارد مصرف اموال خدیجه خرید زاد و توشه برای مسلمانان مستضعف بود که قصد داشتند به مدینه هجرت کنند.
سفر اکثر مسلمانان با اموال خدیجه ممکن شد. آخرین آن‌ها هم قافله‌ای بود که امیر المؤمنین آن را سرپرستی کرد.»(۲۸)

یک نکته

شهید مطهری رحمه‌الله به نکته‌ای اساسی در (اموال خدیجه و شمشیر علی) اشاره دارد که آگاهی از آن جهت روشن شدن ذهن مخاطبان ضروری است. زیرا وقتی گفته می‌شود اسلام با مال خدیجه و شمشیر علی پیش رفت، چنین به نظر می‌رسد که دین اسلام با همان زر و زور پیش رفته است.
شهید پاسخ مناسبی به این شبهه می‌دهد و می‌نویسد: «اگر دینی با زور پیش برود، آن چه دینی می‌تواند باشد؟ آیا قرآن در یک جا دارد که دین اسلام با زر و زور پیش رفت؟ آیا علی علیه‌السلام یک جا گفت که دین اسلام با زر و زور پیش رفت؟ شک[ی وجود] ندارد که مال خدیجه به درد مسلمین خورد اما آیا مال خدیجه صرف دعوت اسلام شد؟ یعنی خدیجه پول زیادی داشت پول خدیجه را به کسی دادند و گفتند بیا مسلمان شو؟ آیا یک جا انسان در تاریخ چنین چیزی پیدا می کند؟ یا نه، در شرایطی که مسلمین و پیغمبر اکرم در نهایت درجه سختی و تحت فشار بودند، جناب خدیجه علیهاالسلام مال و ثروت خودش را در اختیار پیامبر گذاشت، ولی نه برای این که پیامبر ـ العیاذ بالله ـ به کسی رشوه بدهد و تاریخ نیز هیچ گاه چنین چیزی را نشان نمی‌دهد... پس اگر مال خدیجه نبود، فقر و تنگدستی شاید مسلمین را از پا در می‌آورد، مال خدیجه خدمت کرد، اما نه خدمت رشوه دادن... بلکه خدمت به این معنی که مسلمانان گرسنه را نجات داد. شمشیر علی بدون شک به اسلام خدمت کرد.... در شرایطی که شمشیر دشمن آمده بود، ریشه اسلام را بکند.»(۲۹)

پی نوشت ها

۱ ـ تاریخ خمیس، ج ۱، ص ۲۶۳.
۲ ـ ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۲.
۳ ـ اعلام النبلا، ج ۲، ص ۱۱۱. اسد الغابهٔ، ج ۳، ص ۲۱.
۴ ـ استیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.
۵ ـ درباره سال ازدواج تاریخ خمیس، ج ۱، ص ۲۶۴. سیره حلبی، ج ۱، ص ۴۰، مشهور ۴۰ سالگی است.
۶ ـ الفصول المهمه، ص ۲۹.
۷ ـ کفایهٔ الطالب، ص ۲۰۶.
۸ ـ امیرالمؤمنین در عهد پیامبر، صادق صدر، ص ۵۹.
۹ ـ فروغ ولایت، ص ۱۷، به نقل از کشف الغمه، ج ۱، ص ۹۰.
۱۰ ـ نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۱۸۲، خطبه قاصعه.
۱۱ ـ نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۱۸۲.

۱۲ ـ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۸.
۱۳ ـ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳۶ـ ج ۳ الغدیر، ص ۱۹۱ تا ۲۱۳ را بخوانید.
۱۴ ـ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳.
۱۵ ـ امیرالمؤمنین در عهد پیامبر، محمد صادق صدر، ترجمه دکتر سید جمال موسوی، ص ۸۹، نقل از سیره سید احمد زینی بن دحلال، ص ۱۰۴.
۱۶ ـ نهج البلاغه، خطبه قاصعه.
۱۷ ـ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۹۷.
۱۸ ـ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۰۸.
۱۹ ـ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۸۵؛ سبط جوزی، در تذکرة الخواص، ص ۱۷۰؛ استیعاب، ج ۱۴، ص ۱۱۱.
۲۰ ـ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۰۳، ۳۵۳، ۳۵۴.
۲۱ ـ همان، ج ۲، ص ۱۰۳.
۲۲ ـ ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۹، نقل از بحارالانوار، ج ۶.
۲۳ ـ اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۵۹۳.
۲۴ ـ نهایة الارب، ج ۱۸، ص ۱۷۱.
۲۵ ـ استیعاب، ج ۴، ص ۱۸۸۲؛ مقاتل الطالبین، ص ۱۳۰.
۲۶ ـ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۶.
۲۷ ـ کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۸.
۲۸ ـ بحار، ج ۱۹، ص ۶۳.
۲۹ ـ سیری در سیره نبوی، صص ۲۴۸ ـ ۲۴۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹